



اِنَّا مَكَّنَّا لَهُ فِي الْاَرْضِ وَ اَتَيْنَاهُ مِنْ كُلِّ شَيْءٍ سَبَبًا
 ﴿٨٤﴾ فَاتَّبَعَ سَبَبًا ﴿٨٥﴾ حَتَّىٰ اِذَا بَلَغَ مَغْرِبَ الشَّمْسِ وَجَدَهَا
 تَغْرُبُ فِي عَيْنٍ حَمِئَةٍ وَ وَجَدَ عِنْدَهَا قَوْمًا قُلْنَا يَا
 ذَا الْقَرْنَيْنِ اِمَّا اَنْ تُعَذِّبَ وَ اِمَّا اَنْ تَتَّخِذَ فِيهِمْ حُسْنًا ﴿٨٦﴾
 قَالَ اَمَّا مَنْ ظَلَمَ فَسَوْفَ نُعَذِّبُهُ ثُمَّ يُرَدُّ اِلَىٰ رَبِّهِ فَيُعَذِّبُهُ
 عَذَابًا نُّكَرًا ﴿٨٧﴾ وَ اَمَّا مَنْ اٰمَنَ وَ عَمِلَ صَالِحًا فَلَهُ
 جِزَاءٌ الْحُسْنَىٰ وَ سَنَقُولُ لَهُ مِنْ اَمْرِنَا يُسْرًا ﴿٨٨﴾ ثُمَّ
 اتَّبَعَ سَبَبًا ﴿٨٩﴾ حَتَّىٰ اِذَا بَلَغَ مَطْلِعَ الشَّمْسِ وَجَدَهَا تَطْلُعُ
 عَلٰى قَوْمٍ لَّمْ نَجْعَلْ لَهُمْ مِنْ دُونِهَا سِتْرًا ﴿٩٠﴾ كَذٰلِكَ
 وَ قَدْ اَحْطٰنَا بِمَا لَدَيْهِ خُبْرًا ﴿٩١﴾ ثُمَّ اتَّبَعَ سَبَبًا ﴿٩٢﴾ حَتَّىٰ
 اِذَا بَلَغَ بَيْنَ السَّدَّيْنِ وَجَدَ مِنْ دُونِهِمَا قَوْمًا لَا يَكَادُونَ
 يَفْقَهُونَ قَوْلًا ﴿٩٣﴾ قَالُوْا يَا ذَا الْقَرْنَيْنِ اِنَّ يَأْجُوجَ وَ مَا جُوجَ
 مُفْسِدُونَ فِي الْاَرْضِ فَهَلْ نَجْعَلُ لَكَ خَرْجًا عَلٰى اَنْ تَجْعَلَ
 بَيْنَنَا وَ بَيْنَهُمْ سَدًّا ﴿٩٤﴾ قَالَ مَا مَكَّنِّي فِيهِ رَبِّي خَيْرٌ
 فَاعِينُوْنِي بِقُوَّةٍ اَجْعَلْ بَيْنَكُمْ وَ بَيْنَهُمْ رَدْمًا ﴿٩٥﴾ اَتُوْنِي
 زُبْرَ الْحَدِيْدِ حَتَّىٰ اِذَا سَاوَىٰ بَيْنَ الصَّدَفَيْنِ قَالَ
 اَنْفُخُوْا حَتَّىٰ اِذَا جَعَلَهُ نَارًا قَالَ اَتُوْنِي اُفْرِغْ عَلَيْهِ قِطْرًا
 ﴿٩٦﴾ فَمَا اسْطَاعُوْا اَنْ يَظْهَرُوْهُ وَ مَا اسْتَطَاعُوْا لَهُ نَقْبًا ﴿٩٧﴾

ما در زمین به او [قدرت و] امکاناتی دادیم و اسباب هر چیزی را در اختیارش گذاشتیم. ^{۸۴}
 پس از این اسباب پیروی [استفاده] کرد. ^{۸۵}

تا آنگاه که به غروبگاه خورشید رسید، خورشید را [چنین] یافت که [گویی] در چشمه‌ای گل‌آلود و سیاه غروب می‌کند، و نزدیک آن طایفه‌ای را یافت. گفتیم: «ای ذوالقرنین، آیا می‌خواهی» آنها را عذاب کنی یا در میانشان [روش] نیکویی پیش می‌گیری.» ^{۸۶}

گفت: «اما هر که ستم کند عذابش خواهیم کرد، سپس به سوی پروردگارش بازگردانده می‌شود، آنگاه او را عذابی سخت خواهد کرد.» ^{۸۷}

و اما هر که ایمان آورد و کار شایسته کند، پاداشی [هر چه] نیکوتر خواهد داشت، و به فرمان خود، او را به تکلیف ساده‌ای و خواهیم داشت. ^{۸۸}

پس [بار دیگر] از اسبابی [که در اختیار داشت] بهره گرفت. ^{۸۹}
 تا آنگاه که به جایگاه برآمدن [طلوع‌گاه] خورشید رسید. [خورشید] را [چنین] یافت

که بر قومی طلوع می‌کرد که برای ایشان در برابر آن پوششی قرار نداده بودیم. ^{۹۰}
 این چنین [می‌رفت] و ما از آن چیزها که نزد وی بود، به طور کامل خبر داشتیم. ^{۹۱}

باز از آن اسباب [که در اختیار داشت] استفاده کرد. ^{۹۲}
 تا وقتی به میان دو کوه رسید، در نزدیک آن دو [کوه]، طایفه‌ای را یافت که نمی‌توانستند

هیچ زبانی را بفهمند. [کنایه از سادگی و ضعیف بودن آن قوم] ^{۹۳}
 گفتند: «ای ذوالقرنین، بأجوج و مأجوج سخت در زمین فساد می‌کنند، آیا [ممکن است] مالی در اختیار تو قرار دهیم تا میان ما و آنان سدی قرار دهی؟» ^{۹۴}

گفت: «آنچه پروردگارم به من در آن تمکن داده، [از کمک مالی شما] بهتر است. مرا با نیرویی [انسانی و مصالح] یاری کنید [تا] میان شما و آنها سدی استوار قرار دهم.» ^{۹۵}

برای من قطعات آهن بیاورید. تا آنگاه که میان دو کوه برابر شد [و با قطعات آهن پُر شد]،
 گفت: «بدمید» تا وقتی که آن [قطعات] را آتش گردانید، گفت: «مس گداخته برایم بیاورید

تا روی آن بریزم.» ^{۹۶}

[سرانجام چنان سد نیرومندی ساخت] که آنها [طایفه مأجوج و مأجوج] نتوانستند از آن [مانع] بالا روند و نتوانستند آن را سوراخ کنند. ^{۹۷}

تمدن جدید و مسئولیت ما

در درس قبل گزارش کوتاهی از تمدن اسلامی داده شد و با مراجعه به معیارهایی که از قرآن و سیره آموخته بودیم، به ارزیابی این تمدن و کشف دلایل پیشرفت و سپس افول آن پرداختیم. در این درس، بر تمدن جدید مروری می‌کنیم تا این تمدن را با معیارهای الهی ارزیابی کنیم. با این ارزیابی می‌توانیم به نقاط قوت و ضعف این تمدن بیشتر پی ببریم و نحوه زندگی در آن را بهتر شناسایی کنیم و مسئولیت خود را در مواجهه با آن بدانیم.

اروپا تاکنون حداقل شاهد سه تمدن بزرگ بوده است که آخرین آن یا همان تمدن جدید، تقریباً تمامی جوامع جهان امروز را تحت تأثیر خود قرار داده است و آثار آن در عرصه‌های مختلف فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و... به خوبی نمایان است. این تمدن، مانند هر تمدن دیگری، دارای نقاط قوت و ضعف است. آشنا شدن با این نقاط قوت و ضعف از دو جهت برای ما مطلوب است:

اول آنکه ما مسلمانان مانند سایر ملت‌ها، با این تمدن ارتباط مستقیم داریم، بنابراین، هم تحت تأثیر آن قرار می‌گیریم و هم می‌توانیم بر آن اثر بگذاریم؛ هر قدر آگاهی و هوشیاری ما بیشتر باشد، قدرت تأثیرگذاری ما بیشتر خواهد بود.

دوم آنکه بررسی ضعف‌ها و قوت‌های این تمدن در عرصه‌های مختلف، این کمک را به ما می‌کند که در راستای احیای تمدن اسلامی، از نقاط قوت این تمدن بهره‌مند شویم و با عبرت گرفتن از ضعف‌ها و آسیب‌های آن، بتوانیم برنامه‌ریزی درست و کم‌اشتباهی را برای سامان‌دهی تمدن اسلامی داشته باشیم. در ابتدا برای آشنایی هرچه بیشتر با این تمدن لازم است تا با برخی علل و ریشه‌های شکل‌گیری آن آشنا شویم.

زمینه‌های پیدایش تمدن جدید

۱- کلیسا و تعالیم تحریف شده

تمدن دوم اروپا که به تمدن دوره قرون وسطی مشهور است، با کنار گذاشتن اعتقادات باستانی و بت پرستی و روی آوردن به مسیحیت آغاز شد. این تمدن، برای اروپایی که قرن‌ها گرفتار بت پرستی بود، یک حرکت رو به جلو محسوب می‌شد. با ظهور این تمدن، مردم بت پرست اروپا به یک دین الهی معتقد شدند، بت‌ها و بتخانه‌ها از بین رفت، اتحاد در سرزمین اروپا حاکم شد^۱، بناهای باشکوه مذهبی ساخته شد، کتاب‌هایی در اخلاق، معنویت و فرهنگ نگارش یافت و آثار هنری بزرگی پدید آمد.

اما از سوی دیگر، مبلغان مسیحی اعتقادات نادرستی را که از نظر خودشان اعتقادات رسمی مسیحیت بود، تبلیغ می‌کردند. آنان معتقد بودند که آدم در بهشت اولیه مرتکب گناه شده است و این گناه به فرزندان آدم نیز سرایت کرده و هر کسی با گناه اولیه به دنیا می‌آید. بنابراین هر کودکی پس از تولد باید

۱- تمدن اول قبل از میلاد حضرت مسیح علیه السلام، در قرن‌های ششم تا چهارم قبل از میلاد، در یونان باستان شکل گرفت و در روم باستان ادامه یافت.

تمدن دوم، در قرن چهارم میلادی با گسترش مسیحیت در اروپا و آغاز حاکمیت کلیسا بر زندگی سیاسی و اجتماعی مردم آغاز شد و تا قرن‌های پانزدهم و شانزدهم ادامه یافت.

تمدن سوم با افول قدرت کلیسا در همین قرن‌ها شروع شد و همچنان ادامه دارد.

۲- در قرن چهارم میلادی (۳۱۳ م)، دین مسیحیت، دین رسمی امپراتوری روم شد. دولت روم تقریباً سراسر اروپا را زیر سیطره خود داشت و گسترش مسیحیت، کمک بسیاری به اتحاد اروپاییان کرد.

غسل ویژه‌ای (غسل تعمید) داده شود تا از آن گناه پاک گردد. همچنین اعتقاد داشتند که مسیح ﷺ نیز خود را به‌عنوان تاوان گناهان بشریت فدا کرد و به دار آویخته شد.^۱

اعتراف به گناهان خود در حضور کشیش، آیین دیگری بود که توسط این مبلغین میان مسیحیان رواج یافت. برای این کار اتاق ویژه‌ای در کلیسا ساخته شد که محل اعتراف و توبه کردن بود. آنان معتقد بودند که با اعتراف گناهکار در برابر کشیش، توبه‌کننده آمرزیده می‌شود و عفو ابدی را به‌دست می‌آورد.^۲ عبادت و رازونیز با خدا نیز به روز معینی در هفته و در محل کلیسا و در حضور کشیشان اختصاص یافت.

این‌گونه آیین‌ها سبب سست شدن ارتباط شخصی و پیوسته انسان با خدا و واسطه قرارگرفتن کشیشان میان خدا و بندگان او گردید. بسیاری از کشیشان در این دوره شروع به فروختن بهشت کردند و در عوض بخشش گناه، پول‌های کلان به‌دست آوردند.

آیین دیگر، ازدواج مسیحی بود. آنان معتقد بودند که پس از ازدواج، امکان جدایی زن و شوهر نیست و پیوندشان باید ابدی باشد.^۳ زن حق مالکیت ندارد و باید نام خانوادگی وی به نام خانوادگی شوهر تغییر یابد. کشیش‌ها حق ازدواج نداشتند و تا آخر عمر باید مجرد می‌ماندند. آنان ازدواج را امری دنیایی و پست تلقی می‌کردند.

پذیرش عقاید رهبران کلیسا درباره هر موضوعی، حتی موضوعات علمی، ضروری بود و مخالفت با آن کفر تلقی می‌شد. به عقل و عقلانیت کمتر توجه می‌شد و این اعتقاد وجود داشت که تعقل با ایمان سازگاری ندارد و سبب تزلزل ایمان می‌شود.^۴ از آنجا که رهبران کلیسا نظریات دانشمندان گذشته درباره زمین، خورشید، ستارگان و مانند آن را پذیرفته بودند، مخالفت با آن نظریات را مخالفت با دین مسیح می‌پنداشتند و مانع نشر نظریات جدید می‌شدند.^۵

۱- آیین کاتولیک، جورج برانتل، ص ۱۰۷. (می‌دانیم که قرآن کریم کشته شدن حضرت مسیح ﷺ را مردود می‌شمارد و اعلام می‌فرماید که: او را نکشتند و به دار نیاویختند، بلکه آنان به اشتباه افتادند - سورة نساء، آیه ۱۵۷. این مطلبی است که یکی از حواریون مسیح ﷺ، یعنی «برنابا» نیز به آن آگاهی داشت و بسیار کوشید که مانع این برداشت اشتباه شود. رجوع کنید به مقدمه کتاب انجیل برنابا.)

۲- همان، ص ۱۳۸.

۳- همان، ص ۱۴۳.

۴- عقل و اعتقاد دینی، مایکل پترسون و سایر نویسندگان، ص ۷۰.

۵- وقتی کبرنیک (۱۵۴۳-۱۴۷۳ میلادی)، ستاره‌شناس لهستانی، تصویر جدیدی از منظومه شمسی ارائه نمود و اعلام کرد زمین به دور خورشید می‌چرخد، با مخالفت کلیسا مواجه شد، زیرا کلیسا عقیده بطلمیوس را درباره زمین مرکزی پذیرفته بود و آن را مقدس می‌شمرد. حتی لوتر (۱۵۴۶-۱۴۸۴ میلادی)، کشیش اصلاح‌طلب آلمانی گفت: «مردم گوش به سخنان ستاره‌شناس تازه‌کاری داده‌اند که می‌خواهد ثابت کند زمین در گردش است، نه آسمان‌ها یا فلک و خورشید و ماه... این دیوانه قصد دارد به کلی، طرح و اساس نجوم را وارونه سازد.» (تاریخ تمدن، ویل دورانت، چاپ اقبال، ج ۲۰، ص ۳۹۶).

خواندن کتاب کبرنیک بارها توسط هیئت داوران وابسته به کلیسا ممنوع اعلام شد. بعدها نیز که گالیله و کپلر به تأیید همین نظر پرداختند، توسط کلیسا محکوم شدند و برای نجات جان خود از مجازات اعدام مجبور به پس گرفتن نظر خود گردیدند.

این آیین‌ها و اعتقادات و آداب و رسوم ساختهٔ کلیسا به تدریج اروپا را با فساد، عقب‌ماندگی و مشکلات دیگر دست به گریبان کرد. برخی از رهبران روشنفکر کلیسا و بسیاری از دانشمندان به دنبال چاره برآمدند و برای رسیدن به راه حل مناسب به مطالعه و تحقیق دست زدند.

۲- بهره‌گیری از تجربیات سایر تمدن‌ها

حدود قرن هفتم میلادی و در اواسط قرون وسطی، در همسایگی سرزمین اروپا، تمدن اسلامی متولد شد و طی دو تا سه قرن به مرحلهٔ شکوفایی رسید و بر محیط‌های پیرامون خود پرتو افکند. وقتی اندیشمندان و دلسوزان اروپایی آشنایی اندکی با تمدن مسلمانان پیدا کردند، با شور و شوق فراوان برای تحول در جامعهٔ خود از ثمرات تمدن اسلامی بهره‌برداری نمودند. کتاب‌های دانشمندان مسلمان به سرعت ترجمه شد، علاقه به پژوهش و آزمایش و تجربه افزایش یافت، نقد رهبران کلیسا شروع شد، حقوق و قانون مورد توجه واقع گردید و خردورزی در دستور کار قرار گرفت.

مونتگمری وات^۱، اسلام‌شناس انگلیسی در خصوص تأثیرپذیری تمدن جدید از تمدن اسلامی می‌گوید: «علم و فلسفه در اروپا بدون کمک گرفتن از فرهنگ اسلام توسعه نمی‌یافت؛... اسلام نه تنها در تولیدات مادی و اختراعات اروپا شریک است، بلکه اروپا را واداشت تا تصویر جدیدی از خود داشته باشد. اما از آنجا که اروپا در حال حاضر علیه اسلام عکس‌العمل نشان می‌دهد، تأثیر مسلمانان [بر تمدن غرب] را بی‌اهمیت جلوه می‌دهد. وظیفه مهم ما اروپاییان این است که این اشتباه را اصلاح کنیم و به مدیون بودن عمیق خودمان به جهان اسلام اعتراف کنیم.»^۲

ویل دورانت نیز بسیاری از هنرها و فنون برجستهٔ اروپایی همچون معماری، اسلحه‌سازی و ... را مدیون صنعتگران مسلمان می‌داند.^۳

آثار و پیامدهای مثبت و منفی تمدن جدید

برای دآوری صحیح و منصفانه در خصوص تمدن جدید ضروری است با برخی آثار این تمدن در حوزه‌های مختلف آشنا شویم:

الف) حوزهٔ علم

■ آثار مثبت

۱- **رشد سریع علم:** تولید علم در قرون اخیر جهشی فوق‌العاده داشته است؛ به طوری که

۱- Montgomery Watt.

۲- تأثیر اسلام بر اروپای قرون وسطی، مونتگمری وات، صص ۸۱ و ۱۴۳.

۳- تاریخ تمدن، ویل دورانت، ج ۴، ص ۳۲۲.

دوران جدید را می‌توان دوران علم نامید. اختراع صنعت چاپ، کشف الکتریسیته، ساخت ماشین، اختراع وسایل ارتباطی مانند: تلفن، رادیو، تلویزیون و ماهواره، راه‌اندازی شبکه‌های اینترنت، نظریات و کشفیات جدید در علوم مختلف، زندگی در جهان امروز را متحول کرده است.

۲- **توانایی بهره‌مندی بیشتر از طبیعت:** علم و تکنولوژی سبب شد که آدمی بتواند در طبیعت تصرف فوق‌العاده کند و تغییراتی را در آن به وجود آورد. نفت را از اعماق زمین بیرون بکشد، معادن را استخراج کند، کوه‌ها را برای ساختن تونل بشکافد، با سدهای بزرگ آب‌ها را مهار نماید و قدرت و توانایی خود را به رخ طبیعت بکشد.

■ آثار منفی

۱- **مصرف‌زدگی:** از زمانی که ماشین‌آلات صنعتی ساخته شد، تولید انبوه نیز آغاز گردید. تولید فراوان گرچه در ابتدا نیازهای طبیعی مردم را رفع می‌کرد، اما در بسیاری از موارد بیش از نیاز طبیعی بازار بود. به همین جهت کارخانه‌داران با استفاده از جاذبه تبلیغات در مردم، نیازهای کاذب به وجود آوردند تا آنان را به تنوع طلبی بکشانند و مصرف‌گرایی را به گونه‌ای سرسام‌آور افزایش دهند تا خودشان به سود بیشتری برسند. جدی‌ترین آسیب این رویه، تغییر الگوی زندگی و دل‌مشغولی دائمی مردم به کالاهای گوناگونی است که همه روزه وارد بازار می‌گردد و اذهان و افکار را به خود مشغول می‌کند و در نتیجه، انسان را از اساسی‌ترین نیاز خود، یعنی پرورش و تکامل بُعد معنوی و متعالی خویش، غافل می‌سازد.

این نتیجه دیدگاه غالب و حاکم در تمدن جدید است که انسان را صرفاً یک موجود زنده طبیعی مانند دیگر موجودات، ولی پیچیده‌تر، می‌داند که همچون سایر موجودات صرفاً نیازهای مادی و طبیعی دارد. از همین جهت است که از توجه به بُعد معنوی و فطرت الهی در این تمدن خبری نیست.

۲- **نابودی طبیعت:** افزایش توان علمی بشر و دستیابی وی به ابزارهای نوین، توانایی وی برای بهره‌برداری از منابع طبیعی را به سرعت افزایش داد و به تخریب ساختار طبیعی محیط زیست انجامید. منابع معدنی که نتیجه میلیون‌ها سال فعالیت موجودات بوده، رو به پایان گذاشته، محیط دریاها و اقیانوس‌ها آلوده شده، تعادل ترکیبی گازهای جوّی بر هم خورده، بسیاری از جنگل‌ها از بین رفته و ده‌ها بحران زیست‌محیطی برای انسان به وجود آمده است.

۳- **علم‌زدگی:** از حدود قرن هجدهم میلادی به علت پیشرفت‌های گسترده در علم، این احساس پدید آمد که علم تجربی تنها رمز سعادت ملت‌هاست و جامعه‌ای که این راه را بیاماید، کلید خوشبختی را به دست آورده است. اما اکنون با گذشت چند قرن و شکست‌های پی‌درپی جوامع غربی در عرصه

اخلاق و ظهور بحران‌های اخلاقی در این جوامع، بسیاری دریافتند که علم تجربی نمی‌تواند پاسخگوی همه نیازهای آنان باشد و نمی‌توان سعادت را تنها در این علم جست‌وجو کرد. این نیاز انسان غربی به معنویت باعث شد برخی افراد و گروه‌ها با هدف کسب مقام و شهرت، مکاتب و فرقه‌هایی را به نام مکاتب عرفانی و معنوی ایجاد کنند که اگرچه در ظاهر ادعای پاسخ به نیازهای معنوی بشر را دارند اما به دلیل آنکه برآمده از آموزه‌های وحیانی نیستند، نتیجه‌ای جز سردرگمی برای بشر تشنه امروز نداشته‌اند.

دانش تکمیلی

برای آشنایی با برخی از این مکاتب و فرقه‌ها که امروزه به نام «عرفان‌های نوظهور» شناخته می‌شوند، به سایت گروه درسی قرآن و معارف به آدرس <http://quran-dept.talif.sch.ir> بخش «دانش تکمیلی» مراجعه کنید.

مسئولیت ما در این حوزه

گفتیم آشنایی با آثار مثبت و منفی تمدن جدید، می‌تواند ما را در احیای تمدن اسلامی یاری رساند. شاید در نگاهی ابتدایی، این هدف بزرگ، یعنی احیای تمدن اسلامی، در مقایسه با توان و امکانات موجود، یک بلندپروازی به نظر برسد و رسیدن به آن دور از دسترس تلقی شود؛ اما این یک دریافت سطحی از توانمندی ذاتی انسان و قدرت جوانان و ناشی از عدم آشنایی با آموزه‌های بیدارکننده اسلام می‌باشد. البته می‌دانیم که دستیابی به این هدف بزرگ، نیازمند برنامه‌ای است که ما را به آن سطح لازم از توانمندی برساند و قدرت لازم را برای ایفای نقش در جهان کنونی به ما ببخشد. با توجه به اهمیت این اقدام بزرگ، برنامه‌هایی را پیشنهاد می‌کنیم. این برنامه‌ها را بررسی کنید و تا آنجا که در توان دارید برای عمل کردن به آنها بکوشید.



۱- تلاش برای پیشگام شدن در علم و فناوری: پیشرفت علمی

پایه‌های استقلال یک ملت را تقویت می‌کند و مانع تسلط بیگانگان می‌شود. مقام معظم رهبری در این باره این‌گونه تذکر می‌دهند: «باید علم را که مایه اقتدار ملی است همه جدی بگیرند و دنبال کنند. کشوری که مردم آن از علم بی‌بهره باشند هرگز به حقوق خود دست نخواهد یافت. نمی‌شود علم را از دیگران گدایی کرد. علم درون‌جوش و درون‌زاست. باید استعدادها را یک ملت به کار افتد تا یک ملت

به معنای حقیقی کلمه، عالم بشود^۱».

پیشرفت‌های اخیر دانشمندان جوان کشور ما در رشته‌های مختلف علمی، مانند پزشکی و سلول‌های بنیادی، فناوری نانو و هسته‌ای، صنایع نفت، پتروشیمی و سدسازی قدم‌های اولیه‌ای است که باید با همت بلندتر و عزم قوی‌تر ادامه یابد و همه عرصه‌های دانش را ببیماید.

۲- **حضور مؤثر و فعال در جامعه جهانی:** جوامع غربی به دلیل آنکه خوشبختی را تنها در ابزارهای مادی می‌جستند و در این مسیر شکست خورده‌اند، به شدت به دنبال راه و مکتبی هستند که نجات‌بخش آنان باشد. پیام اسلام، پیامی مطابق با فطرت انسان‌هاست. هر انسان روشن‌ضمیری که جوایای حقیقت باشد، وقتی دعوت قرآن را به عقلانیت، عدالت، دوری از ستمگری و ستم‌پذیری، پاکدامنی، معنویت و تقوا می‌شنود، به‌طور طبیعی جذب آن می‌شود. هر حقیقت‌جویی، وقتی در میان هزاران کتاب، مقاله، فیلم و انواع تبلیغات که علیه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله کرده‌اند، به سیمای واقعی آن حضرت می‌رسد او را به بزرگی روح می‌ستاید. بنابراین، لازم است ما این پیام‌رهای بخش را با همان شیوه‌هایی که رسول خدا به دیگران رساند در جهان تبلیغ کنیم و به دیگران برسانیم.^۲

۳- **ترسیم چهره عقلانی و منطقی دین/اسلام:** میان یک پیام و روش تبلیغ آن باید تناسب منطقی و معقول برقرار باشد. حق را نمی‌توان با روش‌های نادرست به دیگران رساند. دین اسلام یک دین منطقی و استدلالی است و هر آموزه و حکم آن براساس حکمت الهی تنظیم شده است. چنین دینی را نمی‌توان با تعصب‌های جاهلانه یا با روش‌های فریب‌کارانه تبلیغ کرد و نظر مردم را به سوی آن جلب نمود.

تدبیر در قرآن

أدْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ

به راه پروردگارت دعوت کن

بِالْحِكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ

با دانش استوار و اندرز نیکو

و جادلهم بالتي هي أحسن...^۳ و با آنان به شیوه‌ای که نیکوتر است، مجادله نما...

با تدبیر در آیه شریفه، روش‌های صحیح دعوت را استخراج کنید:

روش اول: روش دوم: روش سوم:

۱- سخنرانی در مراسم سالگرد رحلت امام خمینی علیه السلام، خردادماه ۱۳۸۵.

۲- خداوند درباره روش تبلیغ رسول خدا صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «به لطف و رحمت الهی با آنان (مشرکان) نرمی پیشه کردی. و اگر تو درشت‌خوی سخت‌دلی بودی، بی‌شک از پیرامون تو پراکنده می‌شدند. پس از آنان درگذر و برای آنها آموزش بخواه و در کار با آنان مشورت کن و آنگاه که تصمیم‌گرفتی بر خدا توکل کن که خداوند اهل توکل را دوست دارد.» (سوره آل عمران، آیه ۱۵۹).

۳- سوره نحل، آیه ۱۲۵.

ب) حوزه عدل و قسط

■ آثار مثبت

۱ — توجه به قانون: پس از گذر از قرون وسطی و شکل‌گیری دوره جدید، توجه گسترده‌ای در کشورهای اروپایی به حقوق، قانون، ساختار حکومت و دولت پدید آمد که عموماً عکس‌العملی در برابر حاکمیت نامطلوب کلیسا در قرون وسطی بود. آگاهی به قانون و حقوق که ابتدا با ترجمه آثار اسلامی اتفاق افتاد، فوایدی برای تمدن جدید داشت. مردم با حقوق خود در مقابل دولت‌ها و در رابطه با یکدیگر آشنا شدند و به تدوین قوانین حقوقی پرداختند و برای حفظ آنها سازمان‌هایی تأسیس کردند. حق کارگر، حق کودک، حق تعلیم و تربیت، حق داشتن شغل، حقوق متقابل زن و مرد و حق مردم در مقابل دولت به رسمیت شناخته شد.

۲ — مشارکت مردم در تشکیل حکومت: حق تعیین سرنوشت و دخالت مردم در امور خود، گام مثبت دیگری بود که در تمدن جدید برداشته شد و باعث شد برخی حکومت‌های استبدادی و موروثی حاکم بر کشورهای اروپایی از صحنه خارج شوند.

■ آثار منفی

۱ — ظهور ظلم فراگیر و پدیده استعمار: تولید انبوه کالا و نیاز به بازار کشورهای دیگر، احتیاج به منابع طبیعی دیگر کشورها و نیز روحیه فزون‌خواهی حاکمان غربی سبب شد که سرمایه‌داران و قدرتمندان غربی، کشورهای دیگر را، به خصوص در آسیا و آفریقا هدف قرار دهند و به بهانه استعمار (یعنی آباد کردن)، بسیاری از این کشورها را تصرف کنند و ذخایر گران‌قیمت آنها را، از آثار باستانی و کتاب‌های خطی گرفته تا جواهرات و منابع طبیعی و معدنی، به کشور خود ببرند و برای آن ملت‌ها فقر را بر جا گذارند.

دوره استعمار که دوره غارت علنی ثروت ملت‌ها بود و تا اواخر قرن بیستم ادامه داشت، یکی از سیاه‌ترین دوران‌های زندگی انسان روی کره زمین است. در ابتدای همین دوره میلیون‌ها آفریقایی از این قاره ربوده شدند و به مالکیت اروپاییان و آمریکایی‌ها درآمدند و به عنوان برده در مزرعه‌ها، کارخانه‌ها و معادن به کارهای طاقت‌فرسا وادار شدند.^۱ تمدن جدید نشان داد که اگر حقوقی برای کودکان و زنان و مردان قائل است، منظورش فقط مردان و زنان و کودکانی هستند که از نژاد آنان باشند وگرنه زنان و مردان و کودکان سیاه یا سرخ‌پوست برای آنان هیچ اهمیتی ندارد.

۱- نویسنده سیاه‌پوست آمریکایی معاصر، آلکس هیلی، در رمان معروف خود به نام «ریشه‌ها»، تاریخچه و نحوه زندگی بردگان در آمریکا را به خوبی حکایت کرده است. همچنین کتاب «کلیه عمو تام» رمانی است در خصوص ماجرای برده‌داری در آمریکا که توسط خانم هریت بیچرستو، نویسنده آمریکایی، در سال ۱۸۵۲ نگاشته شده است و به خوبی داستان غم‌انگیز برده‌داری در آمریکا را نشان می‌دهد. میلیون‌ها نسخه از این کتاب تاکنون در بسیاری از کشورها به فروش رفته است.

با بیداری ملت‌ها، مبارزه با استعمارگران نیز از اواخر قرن نوزدهم آغاز شد.^۱ سرانجام دولت‌های غربی مجبور شدند از استعمار علنی کشورها دست بردارند و حاکمان و نظامیان خود را از این کشورها خارج کنند، اما شیوه دیگری برای تسلط بر این کشورها در پیش گرفتند که «استعمار نو» نام گرفت. برخی محققان بر این باورند ثروتی که در دوره استعمار از کشورهای استعمارزده به کشورهای استعمارگر منتقل شد، آن قدر زیاد بود که پایه‌های اصلی قدرت اقتصادی غرب را به وجود آورد.

۲- افزایش فاصله میان انسان‌های فقیر و غنی در جهان: شکل‌گیری نظام‌های سیاسی جدید، بر پایه قدرت سرمایه‌داران و نفع‌طلبی فزاینده آنان بود. صاحبان سرمایه و صنعت، منابع طبیعی اکثر نقاط جهان را به بهایی بسیار اندک خریدند و یا با قدرت نظامی خود تاراج کردند و کالاهای خود را با قیمت‌هایی بسیار سنگین به مردم همان سرزمین‌ها فروختند. بدین ترتیب، بخش کوچکی از جهان روزبه‌روز غنی‌تر شد ولی بخش اعظم آن در فقر و تنگدستی فرورفت.

مسئولیت ما در این حوزه

۱- مبارزه با ستمگران و تقویت فرهنگ جهاد و شهادت و صبر: یکی از رسالت‌های اصلی انبیا، مبارزه با ظلم و برقراری عدل و گسترش حق و حقیقت بوده است. هر چند که بسیاری از مردم با شنیدن سخن حق دلشان نرم می‌شود و مجذوب حقیقت و عدالت می‌شوند، اما باید هوشیار باشیم که همواره گروهی از اهل باطل هستند که نه تنها زیر بار حق نمی‌روند، بلکه سد راه حق جویی می‌شوند، زیرا گسترش عدالت منافع آنها را تهدید می‌کند. این گروه‌ها تا همه را تابع خود نکنند و یوغ اسارت بر گردن دیگران نیفکنند، آرام نمی‌گیرند.

امام خمینی علیه السلام می‌فرماید:

«نکته مهمی که همه ما باید به آن توجه کنیم و آن را اصل و اساس سیاست خود با بیگانگان قرار دهیم، این است که دشمنان ما و جهان‌خواران تا کی و تا کجا ما را تحمل می‌کنند و تا چه مرزی استقلال و آزادی ما را قبول دارند. به یقین، آنان مرزی جز عدول از همه هویت‌ها و ارزش‌های معنوی و الهی مان نمی‌شناسند. به گفته قرآن کریم [دشمنان] هرگز دست از مقاتله و ستیز با شما بر نمی‌دارند مگر

۱- این مبارزات که گاه چندین دهه به طول می‌انجامید، قربانیان زیادی داشت؛ مثلاً کشور الجزایر که تمام جمعیت آن به هجده میلیون نفر می‌رسید، برای بیرون راندن فرانسه از کشور خود، حدود یک میلیون نفر قربانی داد.

۲- در این شیوه جدید، کشور استعمارگر با استفاده از قدرت نظامی، جاسوسی، تبلیغاتی و فرهنگی خود، افراد وابسته به خود را در کشورها به قدرت می‌رساند و به صورت‌های گوناگون از آنها حمایت می‌کند. آن افراد وابسته نیز اهداف سیاسی و اقتصادی آن کشور را به اجرا درمی‌آورند. این نوع از استعمار هم‌اکنون در بسیاری از کشورها ادامه دارد.

اینکه شما را از دینتان برگردانند.^۱ ما چه بخواهیم و چه نخواهیم صهیونیست‌ها، آمریکا و شوروی در تعقیب ما خواهند بود تا هویت دینی و شرافت مکتبی‌مان را لکه‌دار نمایند.»^۲

بدین ترتیب، اگر واقع‌بینانه نگاه کنیم، درمی‌یابیم که دعوت به حق و عدالت را نباید منحصر به صحبت و شعار کنیم، بلکه برای تحقق سخن حق باید برنامه‌ریزی کرد، قیام نمود و شرایطی فراهم کرد تا موانع حق و حق‌پرستی از جامعه خود و جهان زدوده شود؛ این مهم میسر نمی‌شود مگر با تلاش و پشتکار، جهاد و آمادگی برای شهادت در راه خدا و تحمل همه سختی‌های این راه که همان راه حق و حقیقت است.

۲- **استحکام بخشیدن به نظام اسلامی:** استحکام و اقتدار نظام حکومتی یک کشور مهم‌ترین عامل برای حضور کارآمد در میان افکار عمومی جهان است. یک کشور ضعیف، به‌طور طبیعی منزوی می‌شود و همراه و همدلی در دنیا نمی‌یابد. استحکام پایه‌های اقتصادی و تلاش برای کاهش فقر، توسعه عدالت در همه ابعاد، تقویت اتحاد ملی، انسجام اسلامی و مشارکت عمومی و عمل به وظیفه مقدس امر به معروف و نهی از منکر از مهم‌ترین عوامل استحکام نظام اسلامی است.

ج) حوزه خانواده

تمدن جدید با نگاه مادی به انسان به‌ویژه در حوزه روابط زن و مرد بیشترین آسیب‌ها را به نهاد خانواده وارد کرده است؛ برخی از آسیب‌ها عبارت‌اند از:

۱- **فروپاشی نهاد خانواده:** در غرب قدیم، مانند همه سرزمین‌های دیگر، علاوه بر خانواده هسته‌ای که مرکب از پدر، مادر و فرزندان است، خانواده گسترده هم، که شامل اقوام و خویشان می‌شد، نمود فراوان داشت. اما در خلال دو نسل گذشته نه تنها خانواده گسترده متلاشی شد، خانواده هسته‌ای نیز، به تدریج از هم گسیخته گردید. بر این پدیده‌ها باید این واقعیت را نیز افزود که امروزه شمار فزاینده‌ای از کودکان در غرب، در خانواده‌ها یا خانه‌هایی بزرگ می‌شوند که پدر یا مادر در آن حاضر نیست و آن یکی هم که حاضر است چون نمی‌تواند یک تنه وظیفه پدر و مادر را توأمان ایفا کند غالباً از زیر بار مسئولیتی که پدرها و مادرها در خانواده‌های اصیل برای انتقال دادن ارزش‌های اخلاقی به جوانان برعهده داشته‌اند شانه خالی می‌کند. همین امر باعث شده است که فقط در کشور انگلیس ۹ میلیون نفر تنها زندگی کنند، به گونه‌ای که دولت این کشور ناچار شده وزارت خانه‌ای به نام وزارت تنهایی ایجاد کند.^۳

۱- ر.ک: سوره بقره، آیه ۲۱۷.

۲- صحیفه امام علیه السلام، ج ۲۰، ص ۲۳۷.

۳- هفته‌نامه گاردین، ۲۳ ژانویه ۲۰۱۸.

۲- **بی‌بند و باری جنسی**: امروزه بی‌بندوباری جنسی آن‌چنان در غرب رواج یافته است که بسیاری از مردم به این نتیجه رسیده‌اند که توان اصلاح و مبارزه با آن را ندارند.^۱ از این‌رو، به‌ناچار در بی‌آن برآمده‌اند که ضوابط و معیارهای اخلاقی را تغییر دهند؛ به عنوان مثال، در میان غربیان جدید، دیگر هیچ‌گونه ضابطه و معیار مذهبی یا اخلاقی که منشأ الهی داشته باشد، معنا ندارد.^۲

۳- **استفاده/بزاری/از زنان**: استفاده بزاری از زنان برای تبلیغ کالاهای سرمایه‌داران، تشویق آنان به پوشیدن لباس‌های نامناسب و تحریک‌کننده، عادی شدن روابط نامشروع میان زنان و مردان در برخی کشورها، و تجارت گسترده زنان به عنوان کالای جنسی روی دیگر تمدن جدید است. اگر لایه ظاهری و سطحی موقعیت زن در دنیای امروز، که بسیار زیبا و خوش‌منظر آراسته شده، کنار رود و باطن آن آشکار گردد، خواهیم دید که سودآوری تجارت فحشا در حال ربودن گوی سبقت از تجارت مواد مخدر و اسلحه است.

اگر بُعد معنوی و الهی انسان دارای اهمیت و جایگاهی در تمدن جدید بود و اگر به زنان آن‌گونه که دین اسلام بها می‌دهد، بها و شخصیت داده می‌شد، حتماً وضع دیگری در تولید فیلم‌ها، رمان‌ها، و تصاویر تبلیغاتی حاکم می‌شد.

مسئولیت ما در این حوزه

تلاش در جهت تحکیم بنیان خانواده: خانواده کانون رشد فضیلت‌ها و محل تربیت نسل‌های توانمند و با همت است. تحکیم این بنیان سبب رشد فضائل اخلاقی در جامعه، کاهش فساد و حضور انسان‌های با فضیلت و کارآمد می‌گردد و اگر بنیان خانواده سست شود فساد گسترش می‌یابد و نسل‌هایی که از قوت و قدرت روحی کافی برخوردار نیستند مسئولیت‌های اجتماعی را برعهده می‌گیرند.

وقتی حضرت ابراهیم و حضرت اسماعیل علیهم‌السلام پایه‌های خانه کعبه را بالا بردند و بنای یک جامعه توحیدی را گذاشتند، نه تنها برای خود دعا کردند بلکه از خداوند خواستند ذریه و نوادگانی به آنان عطا کند که ادامه‌دهنده راه توحید و اسلام باشند.^۳

۱- در سرایشی به سوی گومورا، پروفیسور رابرت. اچ. بورک، ترجمه الهه هاشمی حائری، انتشارات حکمت.
۲- تصویب قوانین حمایت از خانواده‌های تک‌سرپرست در سال ۱۹۶۰ در آمریکا (که بیشتر شامل خانواده‌ای می‌شود که زن در روابط نامشروع صاحب فرزند شده)، موجب شد که آمار فرزندان بدون پدر در خانواده‌های تک‌سرپرست از حدود پنج درصد در این سال به بیش از ۴۰ درصد در سال ۲۰۱۶ برسد: www.OECD.org/els/family/database.htm

۳- سوره بقره، آیه ۱۲۸ (رَبَّنَا وَاجْعَلْنَا مُسْلِمِينَ لَكَ وَ مِنْ ذُرِّيَّتِنَا أُمَّةً مُسْلِمَةً لَكَ وَ آرِنَا مَنَاسِكَنَا وَ ثُبِّ عَلَيْنَا إِنَّكَ أَنْتَ الرَّحِيمُ).

کتابنامه بخش دوم

نام کتاب	نویسنده	مترجم	ناشر	درس	مخاطب
۱- اسلام و مقتضیات زمان	مرتضی مطهری		انتشارات صدرا	۹	معلم/ دانش آموز
۲- افسانه نجات بخشی علم	ماری میجلی	عبدالرحیم گواهی	مؤسسه فرهنگی انتشارات تبیان	۱۰	معلم/ دانش آموز
۳- امام و حیات یاطبی انسان	سیدمرتضی آوینی		مؤسسه روایت فتح	۹	معلم/ دانش آموز
۴- امام خمینی <small>علیه السلام</small> و مکتبمان غرب	علی خالقی افکنند		انجمن معارف اسلامی ایران	۱۰	معلم/ دانش آموز
۵- امام صادق <small>علیه السلام</small> مغز متفکر جهان شیعہ	جمعی از دانشمندان	ذبیح الله منصوری	انتشارات جاویدان	۹	معلم/ دانش آموز
۶- بویایی فرهنگ و تمدن اسلام و ایران	علی اکبر ولایتی		مرکز چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه	۹	معلم/ دانش آموز
۷- تأثیر اسلام بر اروپای قرون وسطی	مونتگمری وات	حسین عبدالمحمدی	مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی <small>علیه السلام</small>	۱۰ و ۹	معلم/ دانش آموز
۸- تاریخ تمدن با داستان زندگی انسان	محمود حکیمی		شرکت سهامی انتشار	۱۰ و ۹	دانش آموز
۹- تمدن اسلامی از زبان بیگانگان	محمدتقی صرفی		دفتر نشر پرگزیده	۹	دانش آموز
۱۰- توبه آغوش رحمت	حسین انصاریان		دارالعرفان	۷	معلم/ دانش آموز
۱۱- توبه، شرحی از دعای سی و یکم صحیفه سجاده	سیدمحمد ضیاء آبادی		مؤسسه نبأ	۷	معلم/ دانش آموز
۱۲- جوان مسلمان و دنیای متجدد	سیدحسین نصر	مرتضی اسعدی	طرح نو	۱۰ و ۹	معلم/ دانش آموز
۱۳- چپاول دانش و طبیعت	واندا تانسیوا	حسین داوری	کتاب صبح	۱۰	معلم/ دانش آموز
۱۴- خدمات متقابل اسلام و ایران	مرتضی مطهری		انتشارات صدرا	۹	معلم/ دانش آموز
۱۵- خودباختگی و خودباوری از دیدگاه امام خمینی <small>علیه السلام</small>	امام خمینی <small>علیه السلام</small>		مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی <small>علیه السلام</small>	۹	معلم/ دانش آموز
۱۶- زندگی درعیش، مردن در خوشی	نیل نُسَمن	سیدصادق طباطبایی	انتشارات اطلاعات	۱۰	معلم
۱۷- عصر امام خمینی <small>علیه السلام</small>	میراحمدرضا حاجتی		یوستان کتاب قم	۹	معلم/ دانش آموز
۱۸- عظمت مسلمین در اسپانیا	زوزف ماک کاب	ابوالقاسم فیضی	چاپ تأیید	۱۰ و ۹	معلم/ دانش آموز
۱۹- علل زلزله تمدن غرب	اصغر طاهرزاده		گروه فرهنگی المیزان	۱۰	معلم/ دانش آموز
۲۰- فرهنگ اسلام در اروپا	زیگرید هونکه	مرتضی رهبانی	دفتر نشر فرهنگ اسلامی	۱۰ و ۹	معلم/ دانش آموز
۲۱- فرهنگ برهنگی و برهنگی فرهنگ	غلامعلی حداد عادل		سروش	۱۰	معلم/ دانش آموز
۲۲- کارنامه اسلام	عبدالحسین زرین کوب		انتشارات امیرکبیر	۹	معلم/ دانش آموز
۲۳- مبانی توسعه و تمدن غرب	سیدمرتضی آوینی		نشر ساقی	۱۰	معلم/ دانش آموز
۲۴- متفکران اسلام	بارون کارادووو	احمد آرام	دفتر نشر فرهنگ اسلامی	۱۰	معلم/ دانش آموز



سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی جهت ایفای نقش خطیر خود در اجرای سند تحول بنیادین در آموزش و پرورش و برنامه درسی ملی جمهوری اسلامی ایران، مشارکت معلمان را به‌عنوان یک سیاست اجرایی مهم دنبال می‌کند. برای تحقق این امر در اقدامی نوآورانه سامانه تعاملی بر خط اعتبارسنجی کتاب‌های درسی راه‌اندازی شد تا با دریافت نظرات معلمان درباره کتاب‌های درسی نونگاشت، کتاب‌های درسی را در اولین سال چاپ، با کمترین اشکال به دانش‌آموزان و معلمان ارجمند تقدیم نماید. در انجام مطلوب این فرایند، همکاران گروه تحلیل محتوای آموزشی و پرورشی استان‌ها، گروه‌های آموزشی و دبیرخانه راهبری دروس و مدیریت محترم پروژه آقای محسن باهو نقش سازنده‌ای را بر عهده داشتند. ضمن ارج نهادن به تلاش تمامی این همکاران، اسامی دبیران و هنرآموزانی که تلاش مضاعفی را در این زمینه داشته و با ارائه نظرات خود سازمان را در بهبود محتوای این کتاب یاری کرده‌اند به شرح زیر اعلام می‌شود.

اسامی دبیران و هنرآموزان شرکت‌کننده در اعتبارسنجی کتاب دین و زندگی (۳) - کد ۱۱۲۲۰۴

ردیف	نام و نام خانوادگی	ردیف	نام و نام خانوادگی	ردیف	نام و نام خانوادگی
۱	زهرا آرابی - البرز	۲۷	هاجر ذبیحی - اصفهان	۵۳	غلامرضا عارفیان - فارس
۲	محمدعلی ابراهیمی - قم	۲۸	عبدالرضا دریانورد - خراسان رضوی	۵۴	سیدرحیم علیانسنب شربیانی - البرز
۳	عباس احمدی - مازندران	۲۹	فرهاد رحیم‌پور - چهارمحال و بختیاری	۵۵	صفر غریبی - بوشهر
۴	آمنه امامی - لرستان	۳۰	طاهره رحیمی - سمنان	۵۶	محمود فخروری - گلستان
۵	عذرا افخمی - یزد	۳۱	مجتبی رضایی - خوزستان	۵۷	زهره فرخ‌پور - تهران
۶	علی الهیار - یزد	۳۲	پروین رفیعی - اصفهان	۵۸	سعیده سادات قریشی - قزوین
۷	زهره ایرانلو - خراسان شمالی	۳۳	زهرا رنجبر تیلکی - قم	۵۹	محمدرضا قیصری - بوشهر
۸	عصمت بسطامی - خراسان شمالی	۳۴	فاطمه روبیانی - خراسان جنوبی	۶۰	زهرا کاظم‌پور - تهران
۹	محسن بیاتی - تهران	۳۵	احمد زارع - یزد	۶۱	سکینه کافی - خراسان رضوی
۱۰	آیت‌الله بیرامی - آذربایجان غربی	۳۶	رضا سرمدی‌فر - تهران	۶۲	طاهره کریم‌زاده - کرمان
۱۱	اقدس پورمند	۳۷	سیما سعادت - تهران	۶۳	گلاب کتایی - البرز
۱۲	گیتی پیرزاد - هرمزگان	۳۸	رضا سعیدی - کرمان	۶۴	زهرا کندری - سیستان و بلوچستان
۱۳	محمدباقر تقی‌زاده مشک‌باف	۳۹	مریم سلیمانی - تهران	۶۵	معصومه گل‌هاشم - سمنان
۱۴	فروغ جزایری - چهارمحال و بختیاری	۴۰	سید محبوبه سیدجوادی - تهران	۶۶	منیر لک - مرکزی
۱۵	ژاله جعفری پاسکیایی - تهران	۴۱	فریدین سماقی - لرستان	۶۷	حسن مریدی - هرمزگان
۱۶	فرزانه جمشیدیان - لرستان	۴۲	مرضیه سیستانی - سمنان	۶۸	حمزه مزاری - سیستان و بلوچستان
۱۷	علی‌اصغر جواز - فارس	۴۳	فریده شادان - کرمانشاه	۶۹	قاسم مندوانی - خوزستان
۱۸	ابراهیم حسین‌زاده - گیلان	۴۴	زهرا شرفی - تهران	۷۰	جعفر مؤذنی - قم
۱۹	منصور حسین‌زاده - کردستان	۴۵	زهرا شرفی - مرکزی	۷۱	فخرالسادات موسوی - تهران
۲۰	فاطمه حکیمی راد - گیلان	۴۶	معصومه شفیعی‌پور - کرمان	۷۲	محبوبه موسوی - تهران
۲۱	شمسی خرمی - کرمانشاه	۴۷	ام‌لیلا شهری‌پور - آذربایجان شرقی	۷۳	ترگس میرزاده - هرمزگان
۲۲	مینا خسروی - سیستان و بلوچستان	۴۸	گلی آقاشیری - کهگیلویه و بویراحمد	۷۴	فیروز نژادنجف - آذربایجان شرقی
۲۳	شهربانو خوبشوند - تهران	۴۹	مرتضی صفرپور - اصفهان	۷۵	کلثوم نصیری - تهران
۲۴	سیدعباس خیراللهی رکن‌آبادی - یزد	۵۰	طیبه ضرابیان - تهران	۷۶	مرضیه نوبهار - قم
۲۵	محرّم دادگر - آذربایجان غربی	۵۱	مژگان عاشوری - گیلان	۷۷	ابوالفضل نوروزی - مرکزی
۲۶	بهمن دیناروند - لرستان	۵۲	محمدرضا عباسی - تهران	۷۸	سید احسان هندی - تهران